

محصولات عمده وارداتی: ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل (۴۴/۸٪)، کالاهای صنعتی (۱۸/۲٪)، مواد غذایی و احشام (۱۵/۶٪)
کل بدهی خارجی (تخمین ۱۹۹۸): ۱۰ میلیارد دلار

وضعیت انرژی

وزیر انرژی و صنایع: شیخ عبدالله بن حمد العطیه
ذخایر اثبات شده نفتی (۹۸/۱/۱): ۳/۷ میلیارد بشکه
میزان تولید نفت (تخمین ۱۹۹۷): ۷۰۰,۰۰۰ بشکه در روز که ۶۴۹,۰۰۰ بشکه در روز آن نفت خام و بقیه مایعات گازی است.
سهیمه تولید نفت خام اوپک (از تاریخ ۹۸/۱/۷ بطور عملی): ۶۴۰,۰۰۰ بشکه در روز
ظرفیت تولید نفت (تخمین ۱۹۹۸): ۸۰۰,۰۰۰ بشکه در روز
میزان مصرف نفت (تخمین ۱۹۹۷): حدود ۶۰,۰۰۰ بشکه در روز
صادرات خالص نفتی (تخمین

(۱,۸۰۰)، نیروی هوایی (۵۰۰)

وضعیت اقتصادی:

پول رایج: ریال
نرخ ارز بازار (۹۸/۴): ۱ دلار ایالات متحده = ۳/۶۴ ریال
تولید اسمی محصول ناخالص داخلی (تخمین ۱۹۹۸): ۹/۲ میلیارد دلار
نرخ رشد واقعی GDP (تخمین ۱۹۹۷): ۱۵/۵٪ - ۱۰/۱٪ (۱۹۹۸)
P* ۴/۵ - ۸/۵٪
نرخ تورم (قیمتهای مصرف کننده) (تخمین ۱۹۹۷): ۲/۲٪ (P ۱۹۹۸)
تراز حساب جاری (تخمین ۱۹۹۸): ۲/۳ میلیارد دلار
شرکای عمده تجاری: ژاپن، انگلیس، ایالات متحده، ایتالیا، آلمان، فرانسه
صادرات سالانه کالا (تخمین ۱۹۹۸): ۶/۵ میلیارد دلار
واردات سالانه کالا (تخمین ۱۹۹۸): ۵/۲ میلیارد دلار
محصولات عمده صادراتی: نفت خام (۸۰٪) از کل صادرات

قطر از لحاظ ذخایر گاز طبیعی در جایگاه سوم جهان قرار داشته و دارای بزرگترین میدان گازی جهان می باشد این کشور یکی از صادرکنندگان مهم گاز طبیعی مایع بوده و به عنوان یکی از اعضای اوپک بیش از ۶۰۰ هزار بشکه در روز نفت صادر می نماید.

وضعیت کشوری:

امیر: شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی
تاریخ استقلال: سوم سپتامبر، ۱۹۷۱ (از انگلستان)
میزان جمعیت (تخمین ۱۹۹۸): ۶۳۰/۰۰۰ نفر
وضعیت جغرافیایی: منطقه خلیج فارس، وسعت: ۴/۴۱۶ مایل مربع
شهرهای مهم: دوحه (پایتخت)، ام سعید، دوخان، الخور
زبانهای مورد تکلم: عربی، انگلیسی
گروههای قومی: عرب (۴۰٪)، پاکستانی (۱۸٪)، هندی (۱۸٪)، ایرانی (۱۰٪)، و دیگر گروههای قومی (۱۴٪)
مذهب: مسلمان (۹۵٪)
نیروهای دفاعی (تخمین ۹۶/۸): نیروی زمینی (۸,۵۰۰)، نیروی دریایی

(۱۹۹۷): ۶۴۰,۰۰۰ بشکه در روز
 مشتریان عمده نفت خام (تخمین ۱۹۹۸):
 ژاپن (۷۰٪)، دیگر کشورهای آسیای دور
 (۱۰٪)
 ظرفیت پالایش نفت خام (۹۸/۱/۱):
 ۵۷,۵۰۰ بشکه در روز
 ذخایر گاز طبیعی (۹۸/۱/۱): ۳۰۰
 تریلیون فوت مکعب
 میزان تولید گاز طبیعی (P ۱۹۹۶): ۴۸۰
 میلیارد فوت مکعب (Bcf)
 میزان مصرف گاز طبیعی (P ۱۹۹۶): ۴۸۰
 میلیارد فوت مکعب
 ظرفیت تولید برق (۹۶/۱/۱): ۱/۴
 گیگاوات
 میزان تولید برق (P ۱۹۹۶): ۵/۲
 میلیارد کیلووات ساعت

وضعیت زیست محیطی

کل مصرف انرژی (P ۱۹۹۶): ۰/۵۸
 کادریلیون Btu
 مصرف سرانه انرژی (P ۱۹۹۶): ۹۲۷/۹
 میلیون Btu (در مقابل ۳۵۴ میلیون Btu
 در ایالات متحده)
 مصرف انرژی در هر یک دلار (۱۹۸۷)

تولید ناخالص داخلی (GDP) (P ۱۹۹۶):
 ۸۶/۶ هزار Btu (در مقابل ۱۶/۷ هزار
 Btu در ایالات متحده)
 انتشار کربن وابسته به انرژی (P ۱۹۹۶):
 ۷/۸ میلیون متریک تن (۰/۱٪ انتشار
 کربن در جهان)
 انتشار سرانه کربن (P ۱۹۹۶): ۱۲/۴
 متریک تن (در مقابل ۵/۵ متریک تن در
 ایالات متحده)
 انتشار کربن در هر یک دلار (۱۹۸۷)
 GDP (P ۱۹۹۶): ۱/۱۷ متریک تن
 (در مقابل ۰/۲۶ متریک تن در ایالات
 متحده)
 موضوعات عمده زیست محیطی: آلودگی
 ساحلی، کمبود آب و بیابانی شدن مراتع

صنایع نفت و گاز

سازمانها: شرکت نفت و گاز قطر
 (QGPC) - اکتشاف و تولید؛ شرکت ملی
 توزیع نفت (NODCO) - پالایش و توزیع؛
 شرکت پتروشیمی قطر (QAPCO) - تولید
 مواد پتروشیمی؛ شرکت کود قطر
 (QAFCO) - تولید کود شیمیایی؛ شرکت گاز
 مایع قطر (Qatargas) و شرکت LNG

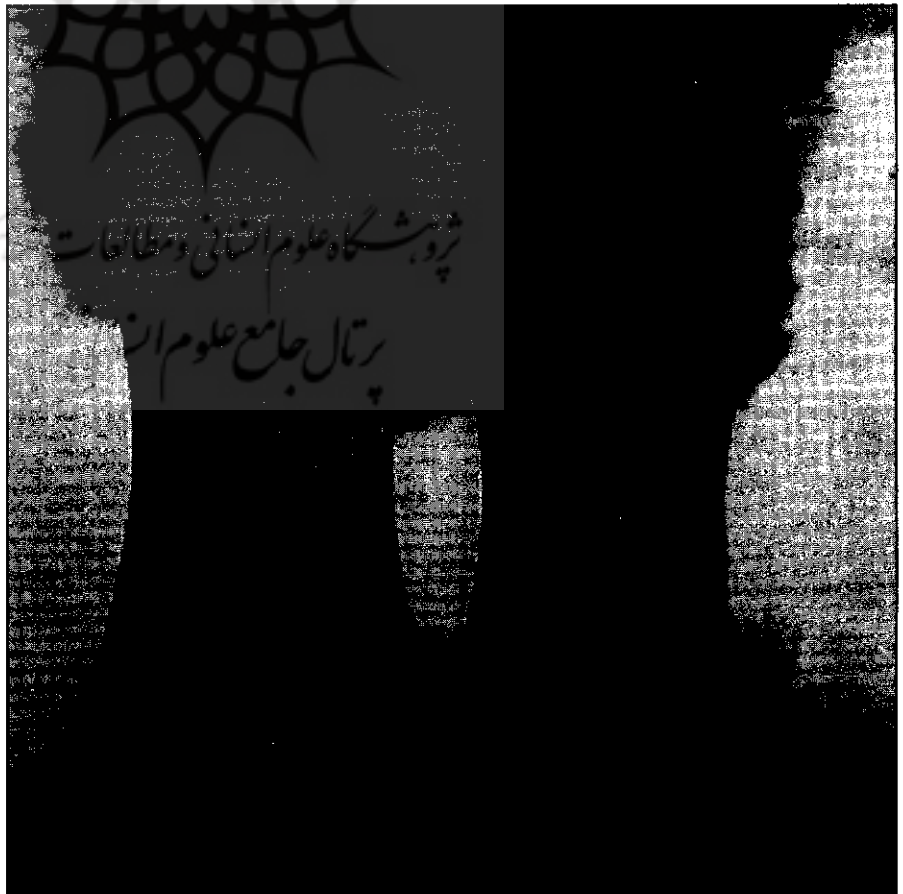
■ ■ ■
 به رغم تولید و ذخایر قابل
 ملاحظه نفتی کشور، سهم
 نفت در مصرف انرژی قطر
 تنها ۲۰ درصد است

■ ■ ■
 قطر با ۳۰۰ تریلیون فوت
 مکعب ذخایر اثبات شده گاز،
 از لحاظ میزان ذخایر، پس از
 روسیه و ایران در جایگاه
 سوم قرار می گیرد

■ ■ ■
 رأس لانان (Rasgas) - تولید و بازاریابی گاز
 طبیعی مایع (LNG)
 شرکتهای مهم نفتی خارجی که در قطر
 فعالیت دارند: آرکو، شورون، الف آکیتن،
 انرون، مرسک، ماروبنی، میتسویسی، موبیل،
 مول، اکسیدنتال، پنزیویل، وینترشال
 بندرهای مهم: ام سعید، رأس لانان
 میادین تولید کننده نفت (تولید - بشکه در
 روز) (تخمین ۱۹۹۸): دوخان (۲۷۵,۰۰۰)،
 ایذالشرقی دام شمالی (۱,۲۰۰,۰۰۰)، بوالحنین
 (۸۰۰,۰۰۰)، مسیدان مهزام (۵۰۰,۰۰۰)،
 الشاهین (۱,۰۰۰,۰۰۰)، الرایان (۳۲,۰۰۰)،
 والخلیج (۳۰,۰۰۰)
 خطوط لوله مهم: دوخان - ام سعید، یک
 شبکه دریایی ارتباط دهنده جزیره هالول به
 الخلیج، بوالحنین، و میدان مهزام، و جزیره
 داس (امارات متحده عربی) - البنداق
 پالایشگاههای عمده (ظرفیت - بشکه در
 روز): ام سعید (۵۷,۵۰۰)

سابقه کلی

ژوئن ۱۹۹۸ سومین سالگرد به قدرت
 رسیدن شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، پس از
 سرنگونی پدرش در یک کودتای درباری بدون



خونریزی در ژوئن ۱۹۹۵ بود. بدنبال این کودتا، البته به استثنای کودتای نافرجامی که در فوریه ۱۹۹۶ به منظور بازگرداندن امیر سابق به مسند حکومت صورت پذیرفت، انتقال بی دردسر قدرت میسر گردید. از آن پس خط مشی سیاسی قطر ثابت باقی ماند و پدر و پسر ظاهراً به اختلافهای خود خاتمه دادند. شیخ حمد یک سیاست اقتصادی را مبنی بر صنعتی سازی سریع با تکیه بر سرمایه خارجی دنبال نموده است. از دیگر ابتکار عملهای سیاسی قطر ارائه پیشنهاداتی به اسرائیل و عراق، اعطای حق رأی به زنان در انتخابات داخلی قطر در نوامبر ۱۹۹۸، و اعلام یک طرح «دموکراسی کامل» برای کشور که در برگیرنده یک قانون اساسی است، می باشد. شیخ حمد که مبتلا به دیابت است در اوت ۱۹۹۷ در آمریکا تحت عمل پیوند کلیه قرار گرفت. وی در اکتبر ۱۹۹۶ با وجود داشتن ۲ پسر بزرگتر که وارثان بالقوه حکومت محسوب می شوند سومین پسر خود جاسم را ولیعهد نامید.

میزان رشد واقعی تولید ناخالص داخلی قطر (GDP) بعد از میانگین هشت درصدی آن بین سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۷۲، در سال ۹۴ و ۹۵ بین ۱ تا ۱/۵ درصد کاهش یافت. اما مجدداً در سال ۹۶، رشد GDP سریعاً با رسیدن به میزان ۴/۵٪ افزایش یافت و در سال ۹۷ بازم رشد این کشور شتاب بیشتری گرفت و به سطح ۱۰/۱ تا ۱۱/۵٪ رسید. برای سال ۱۹۹۸، پیش بینی می گردد میزان رشد (GDP) بدلیل قیمتتهای پائین نفت کاهش یابد ولیکن در سطحی بین ۴ تا ۸/۵٪ باقی خواهد ماند. انتظار می رود این روند از سال ۹۹ تا ۲۰۰۳ ادامه یابد. قسمت اعظم این رشد متکی به افزایش قابل پیش بینی و چشمگیر قیمت نفت و صادرات گاز طبیعی مایع (LNG) خواهد بود. در ضمن میزان تورم در حد ارقام تک رقمی تا حدی بدلیل قیمتتهای پائین واردات و قدرت روبه افزایش دلار و تثبیت ارز داخلی است. نرخ تورم برای سال ۱۹۹۷، ۲/۲٪ بود و پیش بینی می شود که تا ۲/۱٪ برای سال ۹۸ کاهش پیدا کرده باشد.

در اوایل آوریل ۹۸، دولت قطر بودجه خود را جهت سال مالی ۹۹-۹۸ تصویب نمود. قیمتتهای پائین نفت که تقریباً در حدود ۲۵٪ از شروع سال ۹۸ کاهش یافته بود، دولت را مجبور به محدود نمودن بودجه خود نسبت به سال مالی گذشته نموده است. بودجه سال ۹۹، ۹۸ افزایش کسری بودجه را با وجود کاهش هزینه ها و عواید دولت پیش بینی می نماید. بودجه مذکور با احتساب درآمد به میزان ۳/۳ میلیارد دلار و برآورد هزینه ها به

میزان ۴/۳ میلیارد دلار، کسری بودجه به میزان یک میلیارد دلار را پیش بینی می نماید. این ارقام نمایانگر یک کاهش ۷/۷ درصدی در عواید دولت و کاهش ۴/۴ درصدی در هزینه های موجود نسبت به سال مالی گذشته می باشند. کسری بودجه سال مالی ۹۷، ۹۸، ۸۰۰ میلیون دلار بود در حالیکه دولت در تدارک تنظیم یک بودجه متوازن تا سال ۲۰۰۰ می باشد.

نفت

قطر دارای ۳/۷ میلیارد بشکه ذخایر نفتی اثبات شده و قابل بازیافت می باشد که در حدود ۲/۲ میلیارد بشکه آن در میدان دخان (Dukhan)، تنها میدان خشکی قطر، قرار گرفته است. ۱/۵ میلیارد بشکه باقیمانده در ۶ میدان دریایی به نامهای بوالحنین، میدان مهزام، ایدالشرقی دام شمالی، الشاهین، الرایان و الخلیج واقع می باشد. قطر دارای نفت خام هایی با درجه بین ۲۴ تا ۴۱ API می باشد. ۲ جریان عمده صادراتی قطر مخلوط نفتی میدانهای دوخان (با ۴۱ درجه API) و مارین با (۳۶ درجه API) می باشد. برغم تولید و ذخایر قابل ملاحظه نفتی کشور، سهم نفت در مصرف انرژی قطر تنها ۲۰ درصد می باشد. قطر تقریباً عمده نفت تولیدی خود را به آسیا صادر می نماید. در سال ۹۷، صادرات خالص نفتی قطر بالغ بر ۶۴۰ هزار بشکه در روز بود. قطر در سال ۹۷، در مقایسه با ۵۶۱ هزار بشکه سال ۹۶ و ۴۸۰ هزار بشکه سال ۹۵، ۷۰۰ هزار بشکه در روز نفت تولید نمود و برای سه ماهه اول سال ۹۸ میزان تولید نفت آن ۷۷۹ هزار بشکه در روز بوده که ۶۹۳ هزار بشکه آن را نفت خام تشکیل داده بود. همچنین قطر در حدود ۸۶ هزار بشکه در روز مایعات گازی سبک و دیگر فرآورده های گاز طبیعی (NGL) تولید می نماید که هر دو محصول خارج از سقف تعیین شده اوپک یعنی ۶۴۰ هزار بشکه در روز می باشد. قطر درصدد حفظ سیاست تولید با ظرفیت کامل بدون توجه به سهمیه اوپک به منظور ادامه بازپرداخت بدهیهای خارجی خود بر روی یک برنامه زمانبندی شده می باشد. شرکتهای خارجی نقش زیادی در بالا بردن سطح تولید قطر در سالهای اخیر ایفا نموده اند. در سال ۹۷، شرکتهای مزبور تأمین کننده ۳۰۰ هزار بشکه در روز از کل تولید نفت قطر در مقایسه با رقم صفر سال ۹۴ بوده اند. شرکت دولتی نفت قطر (QGPC) تولیدکننده ۴۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. انتظار می رود تولید نفت قطر در

سال ۹۸/۱۳٪ افزایش داشته باشد. بهرحال با پائین آمدن سطح قیمت‌های نفت از اواسط دهه ۱۹۸۰، پیش‌بینی می‌شود قطر ۸۰۰ میلیون دلار از درآمدهای صادراتی نفت خام خود را از سال ۹۷ از دست بدهد. پیش‌بینی‌های دراز مدت گویای این است که کل تولید نفت قطر سالیانه بین ۷۶۳ تا ۸۱۳ هزار بشکه در روز می‌باشد که تقریباً نیمی از این مقدار توسط شرکتهای خارجی تولید می‌شود.

کشور غیراوپک با کاهش ۱/۶ میلیون بشکه در روز موافقت نمودند و در این اثنا قطر ملزم به کاهش ۳۰ هزار بشکه دیگر از اول ژوئیه ۹۸ گردید و در دور سوم کاهش تولید نیز قرار شد این کشور به میزان ۴۷ هزار بشکه در روز از تولید خود بکاهد. در نتیجه کل کاهش تولید قطر بالغ بر ۱۰۷ هزار بشکه در روز شد.

توسعه میادین خشکی

در مارس ۱۹۹۸، قطر توافقنامه‌ای را در مورد اکتشاف نفت در میادین خشکی با شرکت آمریکایی شورون امضاء نمود. توافقنامه مزبور یک توافقنامه مشارکت در تولید (PSA) به مدت ۵ سال بود که پوشش‌دهنده منطقه‌ای به مساحت ۴۲۰۹ مایل مربع بنام بلوک ۲ می‌باشد. بلوک ۲ تقریباً تمام شبه جزیره قطر به استثناء میدان دخان را در برمی‌گیرد. براساس توافقنامه مذکور، شرکت شورون دارای صددرصد منافع در بلوک فوق بوده و موظف به انجام لرزه‌نگاری دو بعدی و سه بعدی تا پایان سال ۹۸ در این منطقه می‌باشد. انتظار می‌رود شورون عملیات اکتشافی و حفاری را در برهه ۲۰۰۱-۱۹۹۹ انجام دهد. همچنین شورون به اتفاق شرکت MOL مجارستان، بلوک ۱ را هم در اختیار گرفته است.

توسعه میادین دریایی

یکی از میادین جدید نفتی قطر میدان الرایان (Al-Rayyan) است که تحت نظر شرکت آرکو (Arco)، یکی از واحدهای شرکت آتلانتیک ریچ فیلد ایالات متحده، مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. شرکت آرکو بعنوان گرداننده، اکثر کارها را از شرکت وینترشال تحویل گرفت و در سپتامبر ۱۹۹۵ عملیات اکتشافی را آغاز نمود. میدان مذکور در نوامبر ۱۹۹۶ با تولید ۲۰ هزار بشکه در روز نفت سنگین از ۴ چاه بر روی خط تولید قرار گرفت. این میدان در منطقه دریایی بلوک ۱۱ در نزدیکی بندر رأس لانان (Ras Laffan) قرار دارد. قرارداد PSA برای میدان مزبور در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۷ امضاء شد. در حال حاضر میدان الرایان تقریباً ۳۲ هزار بشکه در روز نفت تولید می‌نماید اما آرکو در نظر دارد تولید میدان را تا سال ۲۰۰۰ به میزان ۵۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد. بعلاوه تولید میدان مذکور در صورتی که آرکو میزان بازیافت خود را بهبود بخشد از میزان ذکر شده هم بالاتر خواهد رفت. آرکو معتقد است که این شرکت ۷۰۰ میلیون بشکه از

پس از کودتای سال ۹۵، قطر یکسری سیاستهای جدید را به مرحله اجرا گذاشته است، از جمله: افزایش تولید نفت، تعیین محل دیگر ذخائر نفتی قبل از اینکه بازیافت این ذخائر بسیار گران تمام شوند و سرمایه‌گذاری در سیستم‌های پیشرفته بازیافت نفت برای افزایش عمر میدانهای موجود. جهت انجام این امر، دولت در سالهای اخیر شرایط قراردادهای اکتشاف و تولید و توافقنامه‌های مشارکت در تولید (PSA) را بهبود بخشیده است. شرایط اصلاح شده جهت تشویق شرکتهای نفتی خارجی برای افزایش بازیافت نفت در میدانهای تولیدی فعال و اکتشاف ذخایر جدید نفتی می‌باشد. طی چند سال آینده، دولت قطر و شرکتهای خارجی قصد سرمایه‌گذاری به میزان ۲۷ میلیارد دلار جهت توسعه ظرفیتهای تولید هیدروکربن در بخشهای بالادستی و پائین دستی قطر را دارند. از این مبلغ بیش از نیمی یعنی ۱۷/۸ میلیارد دلار از سوی شرکتهای خارجی تأمین خواهد شد. در نتیجه قطر هم‌اکنون یکی از فعالترین مراکز حفاری در جهان بشمار می‌آید. در هر زمان، بیش از ۱۵ دکل حفاری در حال فعالیت در میادین نفت و گاز می‌باشند و در مجموع ۱۷۷ چاه جدید برای پروژه‌های توسعه‌ای نفت و گاز حفاری شده‌اند.

طرحهای قطر برای افزایش میزان تولید نفت ممکن است با قیمت‌های پائین نفت به تأخیر افتد. قیمت‌های نفت پس از تصمیم اوپک در نوامبر ۱۹۹۷ جهت افزایش سقف تولید به ۲۷/۵ میلیون بشکه در روز، شروع به کاهش نمود. همچنین زمستان نسبتاً ملایم نیمکره شمالی و ادامه مشکلات اقتصادی آسیا در کاهش قیمت نفت نقش داشتند. در مارس ۹۸، کشورهای اوپک و چندین کشور غیراوپک با کاهش حدوداً ۱/۵ میلیون بشکه در روز از میزان تولید به منظور افزایش قیمت‌های پائین نفت موافقت نمودند. بنا بر بخشی از توافقنامه، قطر عملاً متعهد به کاهش ۳۰ هزار بشکه در روز از اول آوریل ۹۸ گردید. دور دوم توافق جهت کاهش تولید، در ژوئن ۹۸ به تصویب رسید. در این دوره کشورهای اوپک و چند

ذخائر اثبات شده نفتی و تقریباً ۶۰۰ میلیون بشکه ذخایر احتمالی را کشف نموده است. رایسان عملاً دارای ۵ چاه تولیدی جهت استخراج ذخایر درجا بهمراه یک چاه توصیفی می باشد. قرار است ۲ چاه اکتشافی دیگر جهت حفاری در ۵ سال آینده در برنامه کاری قرار گیرد و آرکو معتقد است که بیشتر ذخایر اثبات شده و احتمالی این میدان قابل بازیافت خواهند بود.

آخرین میدان نفتی منطقه دریایی قطر که بر روی خط تولید قرار گرفته، میدان الخلیج است. تولید از این میدان در مارس ۱۹۹۷ بعد از ۵ سال کار اکتشافی و ارزیابی، با ۶۰ هزار بشکه در روز آغاز گردید. میدان مذکور در بلوک ۶ در طول مرز دریایی قطر با ایران قرار گرفته است. توسعه میدان الخلیج از سال ۱۹۹۱ بدلیل جستجوی شرکت الف آکیتین (ELF AQUITAINE) جهت شرایط مناسبتر قرارداد مشارکت تولید از QGPC، به تأخیر افتاده بود. در اکتبر ۱۹۹۷، شرکت الف تولید خود را از ۲۰ هزار بشکه در روز در ماه مارس ۱۹۹۸ افزایش داد. تولید شرکت مزبور در سال ۹۷ بالغ بر ۹۶۰۰ بشکه در روز بود. الف انتظار دارد میزان تولید را به ۵۰ تا ۶۰ هزار بشکه در روز تا سال ۲۰۰۰ افزایش دهد. میدان الخلیج نفت سنگین و شیرینی با ۲۸ درجه API و دارای یک درصد سولفور تولید می نماید. نفت از طریق لوله به جزیره هالول (Halul) جهت فرآورش و حمل و نسل فرستاده می شود. الف دارای ۵۵ درصد سهم در قرارداد ۲۵ ساله PSA با امکان تمدید آن بمدت ۵ سال می باشد. ۴۵ درصد باقیمانده هم متعلق به شرکت آجیب ایتالیاست. ذخایر نفتی قابل بازیافت الخلیج در حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون بشکه تخمین زده می شود.

میدان دیگر قطر - میدان مهزام (Maydan Mahzam) می باشد که در سال ۱۹۶۵ بهره برداری گردید اما از آن وقت تاکنون میزان تولید آن تقریباً به نصف یعنی ۵۰ هزار بشکه در روز تقلیل یافته است. بهرحال QGPC طرحهایی را برای توسعه بیشتر ذخایر نفتی قابل بازیافت میدان مذکور (۵۵۰ میلیون بشکه) تنظیم نموده است. این طرحها شامل حفاری ۲۵ چاه جدید و نصف سکوهای حفاری چندچاه شش شیاره می باشند. بعلاوه قرار است سکوهای جدید و تجهیزات تفکیک گاز در مجتمع PS-2 میدان فوق بهمراه یک اتاق کنترل جدید، یک سکوی تصفیه، و یک نیروگاه که در جزیره هالول احداث می شود، راه اندازی شود. انتظار می رود طرح فوق تا اوت ۱۹۹۹ تکمیل گردد.

میدان بوالحنین با تولید بیش از ۱۰۰ هزار بشکه در روز نفت، در سال ۱۹۷۳ بر روی خط تولید قرار گرفت لیکن تولید آن در دهه ۱۹۹۰ روبه کاهش نهاد. بدین ترتیب ک از ۱۲۰ هزار بشکه در روز سال ۹۱، و ۹۰ هزار بشکه سال ۹۳ هم اکنون به ۷۰ تا ۸۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته است. طرحهای توسعه ای برای افزایش میزان تولید شامل حفاری ۷۵ تا ۸۰ چاه جدید و نصب بیش از ۹۰ سکوی حفاری چند چاه جدید می باشد. میدان بوالحنین تقریباً دارای ۷۰۰ میلیون بشکه ذخایر قابل بازیافت می باشد. QGPC معتقد است که ذخایر قابل بازیافت تحت انعقاد یک قرارداد PSA با یک شرکت خارجی و راه اندازی یک سیستم پیشرفته بازیافت قابل افزایش می باشند.

میدان الشاهین تحت کنترل شرکت نفت مرسک دانمارک (Maersk) به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگترین و فعال ترین میدانهای قطر است. این میدان در حال حاضر ۱۰۰ هزار بشکه در روز نفت تولید می نماید و مرسک در نظر دارد میزان تولید آن را در مقایسه با ۶۰ هزار بشکه تولیدی آن در اواسط ژوئن ۹۷، دو و نیم برابر (۱۵۰ هزار بشکه در روز) با استفاده از تکنیکهای

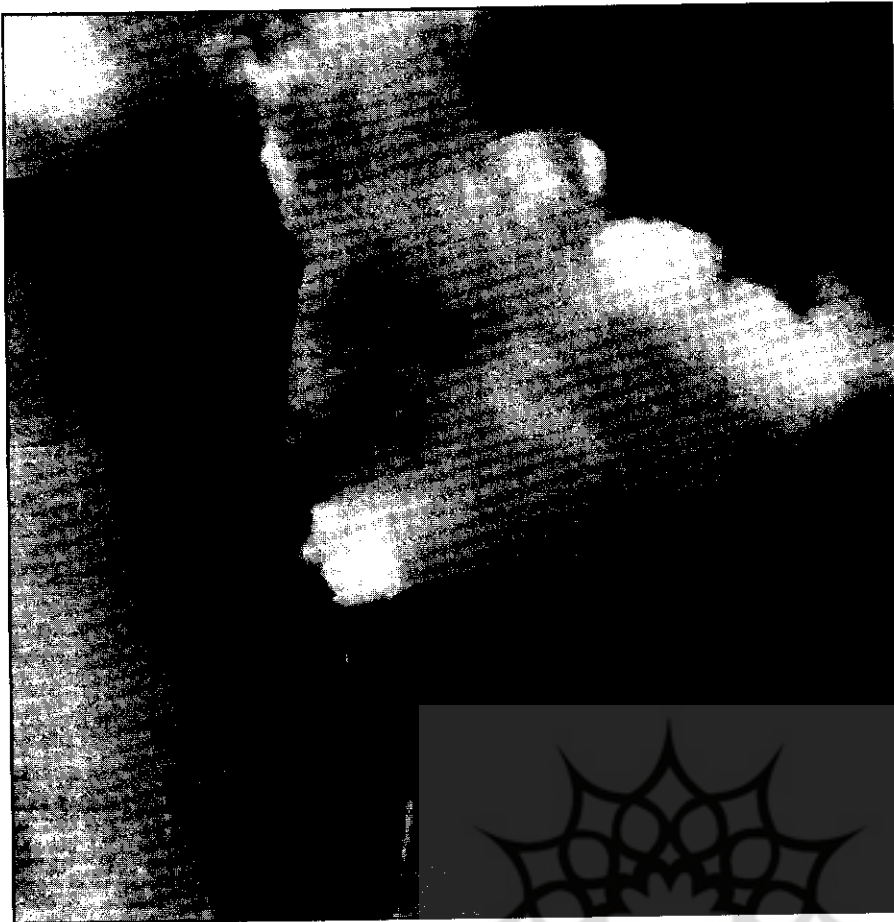
حفاری افقی و عمودی تا سال ۲۰۰۰ افزایش دهد. الشاهین در بلوک ۵ یعنی در ۴۳ مایلی ساحل شمال شرقی قطر قرار گرفته و نفت ترشی با ۲۹ تا ۳۳ درجه API و ۱/۷ تا ۲٪ سولفور تولید می نماید. همچنین میدان مذکور تقریباً ۱۰۰ میلیون فوت مکعب در روز گاز همراه تولید می کند. گمان می رود میدان الشاهین به قسمتی از میدان شمالی متصل باشد.

میدان ایدالشرقی دام شمالی (ISND) اولین بار توسط شرکت شل در سال ۱۹۶۰ مورد اکتشاف قرار گرفت و در حال حاضر زیر نظر شرکت نفت اکسیدتال (OXY) مورد بهره برداری قرار گرفته است. این میدان در ۵۹ مایلی شرق رأس شمالی قطر قرار دارد. در سال ۱۹۹۴ میدان مذکور ۱۲ هزار بشکه در روز نفت تولید می نمود. یعنی زمانیکه اکسیدتال یک قرارداد PSA به مدت ۲۵ سال را با QGPC با توافق بر سر مواردی چون سرمایه گذاری ۷۰۰ میلیون دلار جهت توسعه میدان، تعمیرات مخزنی، سیستمهای بازیافت و تزریق آب و گاز و اکتشاف بیشتر میدان امضاء نمود. تا پایان سال ۹۴ این شرکت (OXY) میزان تولید را تا ۳۵ هزار بشکه در روز افزایش داد. تولید کنونی از میدان ISND



به ۱۲۰ هزار بشکه در روز یعنی بالاتر از میزان ۸۵ هزار بشکه در روز در ژوئن ۹۷ رسیده است و انتظار می‌رود میزان تولید میدان مذکور تا سال ۱۹۹۹ به ۱۶۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد. در ژوئیه ۱۹۹۴، ذخایر نفتی قابل بازیافت این میدان ۳۷۶ میلیون بشکه برآورد شده بود و شرکت OXY امیدوار است با اکتشاف بیشتر و برنامه‌های توسعه میدان، به این میزان ۴۸۰ میلیون بشکه دیگر اضافه نماید. OXY تاکنون ۳۲ چاه حفاری نموده و در نظر دارد در مجموع ۸۴ چاه در میدان ISND حفاری نماید.

OXY در دسامبر ۱۹۹۷، قرارداد PSA دیگری را با QGPC به منظور توسعه میدان نفتی ایدالشرقی دام جنوبی (ISSD) امضاء نمود. میدان ISSD در ۱۵ مایلی ISND قرار گرفته و شرکت اکسیدنتال در نظر دارد که از میدان ISSD به عنوان یکی از وابسته‌های ISND که در مجموع برای هر واحد هزینه‌های عملیاتی پائین‌تری را دربرخواهد داشت، بهره‌برداری نماید. برنامه توسعه OXY برای ISSD در نظر گرفتن ۳۶ چاه در سه سکو شامل ۲۱ چاه تولیدی، ۱۳ چاه تزریقی و ۲ چاه فاضلاب می‌باشد. شرکت OXY اظهار می‌نماید که از پیشرفته‌ترین



حفاری افقی و تکنولوژی بازیافت EOR در توسعه ISND استفاده نموده است. بعلاوه OXY در صدد احداث یک خط نفت و گاز جهت متصل نمودن میدان مذکور به تجهیزات فرآوری در سکوی اصلی تولید ISND می‌باشد. سهم کاری OXY در ISND به میزان ۴۴٪ می‌باشد و شرکت مذکور در نظر دارد در پروژه مذکور ۴۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نموده و ۴۰۰ میلیون دلار هم طی ۵ سال آینده هزینه نماید. انتظار می‌رود حداکثر تولید از ISSD به ۵۰ هزار بشکه در روز برسد. ذخایر ISSD ۱/۱ میلیارد بشکه نفت درجا و ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون بشکه ذخایر قابل بازیافت برآورده شده است.

حفاری افقی و تکنولوژی بازیافت EOR در توسعه ISND استفاده نموده است. بعلاوه OXY در صدد احداث یک خط نفت و گاز جهت متصل نمودن میدان مذکور به تجهیزات فرآوری در سکوی اصلی تولید ISND می‌باشد. سهم کاری OXY در ISND به میزان ۴۴٪ می‌باشد و شرکت مذکور در نظر دارد در پروژه مذکور ۴۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نموده و ۴۰۰ میلیون دلار هم طی ۵ سال آینده هزینه نماید. انتظار می‌رود حداکثر تولید از ISSD به ۵۰ هزار بشکه در روز برسد. ذخایر ISSD ۱/۱ میلیارد بشکه نفت درجا و ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون بشکه ذخایر قابل بازیافت برآورده شده است.

در مارس ۱۹۹۷، QGPC یادداشت تفاهمی (MOU) را با شرکای خارجی شرکت LNG قطر (Qatargas) و شرکت رأس لانسان (Ras Laffan) امضاء نمود. در یادداشت تفاهم مذکور، احداث یک پالایشگاه مایعات گازی با ظرفیت ۸۰ هزار بشکه در روز با صرف هزینه‌ای معادل ۳۴۰ میلیون دلار در رأس لانان پیش‌بینی شده است. بعد از تکمیل طرح فوق در سال ۲۰۰۱، کارخانه فوق قادر به فرآوری مایعات گازی از ۲ شرکت توسعه میدان شمالی خواهد بود. انتظار می‌رود در سال ۲۰۰۰ هر دو شرکت توسعه میدان شمال، ۷۶ هزار بشکه در روز مایعات گازی تولید نمایند که ۴۴ هزار بشکه در روز آن از شرکت قطر گاز و ۳۲ هزار بشکه آن هم از شرکت رأس گاز (Rasgas) خواهد بود. لازم به ذکر است جریانات مایعات گازی از میدان شمال، شامل سطوح بالایی از ترکیبهای سولفور مرکپتان

بخش پائین دستی

در اواسط سال ۹۶، شرکت ملی توزیع نفت قطر (Nodco)، طرحهای خود را مبنی بر بهینه‌سازی پالایشگاهی با ظرفیت ۵۷، ۵۰۰ بشکه در روز در ام‌سعید با هزینه ۴۰۰ میلیون دلار تصویب نمود. طرحهای مذکور شامل افزایش میزان تولید تا ۸۳ هزار بشکه در روز با افزودن ۲۰ هزار بشکه در روز کاتالیک کراکر مایع (ملکول شکن، کاتالیزوری سیال) بعلاوه یک واحد مایعات گازی با ظرفیت ۳۰ هزار



خواهد بود و در نتیجه قادر به فرآوری در بیشتر پالایشگاهها نمی‌باشند.

در نوامبر ۱۹۹۷، شرکت نفتی فیلیپس قراردادی به ارزش ۸۵۰ میلیون دلار با QGPC به منظور احداث یک کارخانه پتروشیمی امضاء نمود. کارخانه مزبور دارای ظرفیت تولیدی به میزان ۵۰۰ هزار تن در سال اتیلن و ۴۶۷ هزار تن پلی اتیلن شامل پلی اتیلن با غلظت بالا و کم غلظت خطی می‌باشد. QGPC دارای اکثریت سهام به میزان ۵۱٪ در پروژه فوق بوده و فیلیپس دارای سهام باقیمانده به میزان ۴۹٪ می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود کارخانه مذکور در سال ۲۰۰۱ صادرات خود را آغاز نماید.

گاز طبیعی

قطر با ۳۰۰ تریلیون فوت مکعب (Tcf) ذخایر اثبات شده، از لحاظ میزان ذخایر پس از روسیه و ایران در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. بیشتر ذخایر گازی قطر در میدان شمالی واقع شده که شامل ۳۸۰ تریلیون فوت مکعب گاز درجا و ۲۳۹ تریلیون فوت مکعب ذخایر قابل بازیافت می‌باشد. این میدان بزرگترین میدان گاز غیرهمراه در جهان است. بعلاوه میدان دخان تقریباً دارای ۵ تریلیون فوت مکعب گاز همراه و ۰/۵ تریلیون فوت مکعب گاز غیرهمراه می‌باشد. ذخایر کوچکتر گاز همراه قطر در میدادین نفتی ایدالشرقی، میدان مهزام، بوالحنین و الریان قرار گرفته‌اند. دولت قطر معتقد است که آینده اقتصادی کشور در گرو توسعه این پتانسیل وسیع گازی است. در حال حاضر قطر دارای ۲ پروژه LNG در حال انجام می‌باشد: شرکت LNG قطر (قطرگاز)، و شرکت LNG رأس لانان (رأس گاز). همچنین شرکت انرون (Enron) ایالات متحده در حال مذاکره در مورد سومین کارخانه LNG قطر می‌باشد.

بازارهای سنتی قطر برای صادرات LNG، آسیا و خاور دور می‌باشند. بهر حال تقاضای LNG در این مناطق بطور قابل ملاحظه‌ای به سبب بحرانهای وسیع مالی منطقه مزبور تنزل نموده و قطر را وادار به جستجوی بازارهای جدید صادراتی نموده است. قطر به منظور رخنه در بازارهای جدید از طریق معاملات نقدی (Spot) و قراردادهای کوتاه مدت وارد عمل شده است. در ماه می ۱۹۹۷، قطر گاز قرارداد کوتاه مدتی را با شرکت انագاز اسپانیا (Enagas) برای تأمین ۴۲۰ هزار تن گاز فرآوری شده به مدت ۱۳ ماه امضاء نمود. در فوریه ۱۹۹۸ قطرگاز



یک قرارداد نه ماهه را جهت تحویل ۴۰۰ هزار تن LNG برای شرکت بوتاس ترکیه امضاء کرد. علاوه بر این قطر مذاکراتی با بلژیک و لبنان داشته و اخیراً گفتگوهایی را با اسرائیل مبنی بر فروش LNG قطر به ارزش ۲ میلیارد دلار از سر گرفته است.

کنسرسیوم بخش پائین‌دستی قطر گاز شامل QGPC (۶۵٪)، توتال (۱۰٪)، موبیل (۱۰٪)، میتسوبی (۷/۵٪) و ماروبنی (۷/۵٪) می‌شود. در دسامبر ۱۹۹۶، قطرگاز اولین محموله LNG خود را به ژاپن تحویل داد. کارخانه LNG قطرگاز شامل ۲ خط تولید به ظرفیت ۲ میلیون تن در سال به ارزش ۲/۸۵ میلیارد دلار می‌باشد. در دسامبر ۱۹۹۶، اعطای وامی به ارزش ۵۷۰ میلیون دلار به منظور احداث خط سوم تولید به ظرفیت ۲ میلیون تن در سال تصویب گردید. بعدها قرارداد ۱۳۰ میلیون دلاری برای احداث خط سوم تولید دریایی به شرکت مک درموت (Mc Dermott) واگذار گردید. راه‌اندازی خط سوم برای اواسط سال ۱۹۹۹ پیش‌بینی شده است.

رأس گاز دومین پروژه LNG قطر بشمار می‌رود. پروژه مذکور در واقع پروژه‌ای بین QGPC (۷۰٪) و موبیل (۳۰٪) می‌باشد. در حال حاضر کنسرسیوم رأس گاز شامل QGPC (۶۶/۵٪)، موبیل (۲۶/۵٪)، ایتوچو (۴٪) و نیشوایوای (۳٪) می‌شود. قرار است شرکت گاز جنوبی (Kogas) یک سهام ۵ درصدی را در رأس گاز در سال ۹۸ خریداری نماید. رأس گاز هم اکنون در حال احداث یک کارخانه LNG به ارزش ۳/۴ میلیارد دلار، با ۲ خط تولید به ظرفیت ۲/۵ میلیون تن در سال می‌باشد. پیش‌بینی می‌شود راه‌اندازی طرح فوق تا اواسط سال ۱۹۹۹ آغاز شود. تولید اولیه LNG ۶۰۰ هزار تن در سال خواهد بود و تا ۳/۳ میلیون تن در سال تا سال ۲۰۰۱ و ۴/۸ میلیون تن تا سال ۲۰۰۳ افزایش می‌یابد. کوگاز (Kogas) در حال حاضر تنها مشتری خرید LNG از کارخانه فوق بوده که قرارداد بلند مدت خرید امضاء کرده است تاکنون بحران ملی کره جنوبی بر زمان احداث یا تاریخ راه‌اندازی طرح فوق تأثیری نگذاشته است. از آوریل ۱۹۹۸ خطوط لوله ۶۳٪، خط تولید دریایی (۱) ۷۰٪، خط تولید دریایی (۲) ۳۰٪، خط تولید خشکی (۱) ۷۲٪، و خط تولید خشکی (۲) به میزان ۴۱٪ تکمیل گردیده‌اند.

بهر حال بحرانهای مالی آسیای جنوب شرقی تا چه اندازه بر تقاضای کره جنوبی برای LNG تأثیر می‌گذارد، نامشخص می‌باشد.

در نوامبر ۱۹۹۷، موبیل ۳ قرارداد با قطر جهت توسعه بیشتر ذخایر گازی میدان شمال امضاء نمود. در ضمن موبیل یک یادداشت تفاهم با QGPC برای توسعه گاز میدان شمال، با هدف افزایش تولید از میدان مذکور و افزایش عرضه گاز طبیعی به بازار داخلی امضاء کرد. بر پایه یادداشت تفاهم مذکور، موبیل سرمایه‌گذاری مشترک جهت فروش ۵۰۰ میلیون فوت مکعب در روز گاز طبیعی به بازار داخلی در سال ۲۰۰۱ و همچنین افزایش میزان فروش تا ۱ میلیارد فوت مکعب در روز تا سال ۲۰۰۴ را آغاز خواهد نمود. لازم به ذکر است موبیل دارای یک سهام ۳۰ درصدی در پروژه ۸۵۹ میلیون دلاری فوق می‌باشد. در دو قرارداد دیگر، موبیل با شرکت اسپری ماریتیم سنگاپور (Osprey Maritime) و شرکت کشتیرانی قطر (QSC) جهت ایجاد یک شرکت حمل و نقل گاز به منظور حمل صادرات LNG در سراسر جهان موافقت نمود. همچنین موبیل با شرکت QSC برای راه‌اندازی شرکت نفتکش موبیل قطر جهت

حمل و نقل نفت خام بعمل آورد.

در آوریل ۱۹۹۸، انرون و QGPC وارد مراحل پایانی مذاکرات خود درباره سرمایه‌گذاری مشترک جهت احداث کارخانه LNG به ارزش ۴ میلیارد دلار در مجتمع صنعتی رأس لافان، شدند. طرح فوق سومین پروژه LNG قطر بشمار می‌رود. کارخانه طرح‌ریزی شده دارای ظرفیت تولیدی به میزان ۵ میلیون تن در سال خواهد بود و پیش‌بینی می‌شود فعالیت آن در سال ۲۰۰۱ آغاز گردد. تقریباً ۲ میلیون تن در سال از تولید کارخانه مذکور برای پروژه ۲۵۴۰ مگاواتی برق در شهر ماهاراشترا و بقیه آن به دیگر پروژه‌های برق در هند فروخته می‌شود. قطر نیازمند به تضمین انرون برای تأمین مشتریان دراز مدت برای محصول LNG خود قبل از پایان قرارداد می‌باشد. بهرحال هم‌اکنون نگرانی قطر این است که فروش LNG به هند ممکن است تحت تأثیر تحریمهای اقتصادی ایالات متحده بر دهلی نو پس از انجام پنج آزمایش اتمی کشور مذکور در ماه می ۱۹۹۸، واقع شود.

توسعه ذخایر عظیم گازی میدان شمالی،

بحثهای مربوط به راه‌اندازی شبکه خط لوله توسط شورای همکاری خلیج فارس (GCC) را مجدداً احیا نمود. شبکه خط لوله مزبور قادر به استفاده از ذخایر میدان شمالی برای تأمین گاز طبیعی امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی و کویت می‌باشد و دارای ظرفیت اولیه‌ای به میزان ۱/۵۵ میلیارد مترمکعب در روز است. ظرفیت شبکه فوق تا سال ۲۰۱۰ به ۲/۲۵ و تا سال ۲۰۲۰ به میزان ۳/۸ میلیارد مترمکعب در روز افزایش خواهد یافت. میدان شمالی دارای ذخایر کافی جهت تأمین گاز همسایگان قطر (اعضای شورای همکاری خلیج فارس) برای چندین نسل، بعلاوه عرضه LNG به خاور دور و اروپا می‌باشد.

برق

قطر در حال حاضر دارای ظرفیت تولید برق به میزان ۱۴,۰۰۰ مگاوات بوده اما ۵/۲ میلیارد کیلووات ساعت برق تولید می‌نماید. بیشتر نیروگاههای برق کشور گازسوز بوده و

چندین نیروگاه هم‌نیازمند تعمیرات گسترده می‌باشند. برای مثال هم‌اکنون نیروگاههای رأس ابوفوتاس A و رأس ابوبعید در مجموع دارای ظرفیت قابل استفاده‌ای به میزان ۵۵۰ مگاوات در مقایسه با ظرفیت اصلی آنها یعنی ۸۷۸ مگاوات می‌باشند. بخش مسکونی مصرف کننده ۸۰٪ از برق تولیدی قطر می‌باشد.

در مارس ۱۹۹۸، دولت قطر قدم کوچکی به سوی خصوصی سازی بخش انرژی کشور برداشت. وزیر برق و آب قطر (MEW) که تقریباً نظارت بر همه نیروگاههای کشور را برعهده دارد با انتقال حقوق مربوط به عملیات اجرایی و تعمیرات نگهداری (O&M) نیروگاه رأس ابوفوتاس B به شرکت آب و برق قطر (QEWC) موافقت نمود. ۵۷٪ از شرکت QEWC توسط سرمایه‌گذاران داخلی و ۴۳ درصد آن بوسیله دولت اداره و کنترل می‌شود. نیروگاه رأس ابوفوتاس B بزرگترین و جدیدترین نیروگاه و شامل یک کارخانه آب شیرین کن می‌باشد. واحد مذکور دارای ظرفیت تولید برقی به میزان ۶۵۰ مگاوات و تولید آب به میزان ۳۳ میلیون گالن در روز می‌باشد. حقوق مربوط به (Q&M) قرار است در ژوئای ۱۹۹۸ به شرکت آب و برق قطر منتقل شود.

مقامات قطر بنا به دلایلی، تلویحاً تصویب احداث کارخانه‌های مستقل تولیدکننده برق (IPP) را بر اساس قراردادهای BOT تصریح نموده‌اند، لیکن پیشرفت در این زمینه اندک بوده است. توسعه دهندگان IPP با مشکلات عمده‌ای در قطر از قبیل فقدان یک چارچوب مناسب قانونی و نظارتی و قیمت‌های بسیار پائین خرده فروشی برق مواجه می‌باشند. در حال حاضر ساکنان بومی قطر هیچ هزینه‌ای را برای استفاده از برق داخلی پرداخت نمی‌نمایند در حالیکه تعرفه پرداخت شده بوسیله مهاجران به این کشور معادل با ۰/۱۶۵ دلار برای هر کیلووات ساعت می‌باشد. تقاضای بخش مسکونی به سرعت در دهه ۱۹۹۰ افزایش یافته و تجهیزات صنعتی انرژی کشور در حال توسعه می‌باشد. بنابراین انتظار می‌رود نیازمندیهای ظرفیتی بطور قابل توجهی طی چند سال آینده افزایش یابد. یکسری از پروژه‌های برق احتمالاً به شرکت QEWC و دیگر شرکت‌های خصوصی واگذار می‌گردند که شامل فاز دوم مجتمع رأس ابوفوتاس B با ظرفیت ۶۵۰ مگاوات می‌باشد. ■

* P=Planned برنامه‌ریزی شده

